

اکسیر

بسم تعالی

پارسی بنویسیم

به جای قیام بنویسیم شورش/به جای مجبور بنویسیم ناچار/به جای متارکه بنویسیم جدایی/به جای محرم اسرار بنویسیم رازدار/به جای مجلل بنویسیم بلشکوه / به جای میتدی بنویسیم نوآموز /به جای مژین بنویسیم آراسته/ به جای وسط بنویسیم میان /



دو هفته نامه ی علمی-فرهنگی اکسیر سال اول شماره ۳ سه شنبه ۵ اسفند ۱۳۸۷ صفحه ۸ ۱۰۰ تومان

medicine

پزشکی

از زندگی لذت ببرید

Zangoole.com

همه ی ما گاهی اوقات مدیریت زندگی مان را از دست می دهیم ، بعضی هامون اصلاً مدیریتی بر آن نداریم. گاهی اوقات حتی سخته که اشتیاقمان را به زندگی کردن حفظ کنیم. مخصوصاً موقعی که هدف هایی دراز مدت در پیش رو داریم که نمی توانیم نتایج آن را تا ماه های آینده یا حتی سال های آینده ببینیم. از کارمان ، از روتین زندگی مان خسته می شویم و فکر می کنیم کار هایی که می کنیم بیپوده است.

چطور می توانیم جلوی این امر را بگیریم؟ چطور نسبت به زندگی با اشتیاق بمانیم و در چرخه ی روزمرگی غرق نشویم؟

۱- به سادگی

بازگردید: خانه تان را تمیز کنید ، آن چه را که لازم ندارید دور بیندازید (یا به کسی که نیاز دارد بدهید) دور و برتان را خلوت کنید. «سادگی» فقط مربوط به محیط زندگی نیست. با خودتان خلوت کنید ذهنتان را Defrag کنید! چیز هایی خیلی خیلی کوچکی هستند



که ما را آزار می دهند و خودمان از وجود آنها بی خبریم. شاید سر یک موضوع کوچک از کسی رنجیده اید ولی وقتی با آرامش از زاویه ای دیگر به موضوع نگاه می کنید ببینید این موضوع کوچک اصلاً ارزش فکر کردن ندارد.

۲- برچسب نزنید: این خیلی مهمه! شناختی که ما از خیلی از چیزها در زندگی داریم با گذر زمان و تاثیر پذیری از دین و فرهنگ و محیط زندگی مان بوجود آمده اند و آن چه ما می بینیم برچسبی است که ذهنمان بر آن زده نه حقیقت.

بیا یه یک تمرین با هم انجام دهیم ، به دور و برتان نگاه کنید و چیزی را انتخاب کنید و به آن نگاه کنید. ذهن شما حالا بلافاصله دنبال برچسب آن جسم می رود. حالا رویتان را برگردانید و نفسی عمیق بکشید و دوباره به آن نگاه کنید ولی اجازه ندهید ذهنتان

برچسب آن را پیدا کند. می دونم سخته است ، آرام باشید و فقط نگاه کنید. سعی کنید چیزی در آن ببینید که هرگز ندیده بودید. این کاری است که عارفان و خصوصاً بوداییان زیاد انجام می دهند.

بگذارید مثال بزنم ، مثلاً من یک بچه ی کوچک را کنارم می بینم

که روی زمین نشسته و با اسباب بازی هایش بازی می کند و سر و صدا می کند. بسته به شخصیتم ذهنم برچسب های مختلفی به آن می زند. مثلاً اینکه «تو هیچی از زندگی نمی فهمی» ، «تو فکر می کنی دنیا همین چهار تا اسباب بازیه» ، «تو که مشکلات منو نداری!» «قرار نیست به وضوح این ها در ذهنم خطور پیدا کند بلکه تفکر ضعیفی است که در ضمیر نا خودآگاه بوجود میاید.

حالا سعی می کنم دیدم را عوض کنم ، نگاه کنم به اینکه آن بچه چطور از همان اسباب بازی کوچکی بی ارزش لذت می برد و خوشحال است و من همچنان به اتفاق کوچکی که سال ها پیش افتاده فکر می کنم.

۳- از هر چیز

کوچکی لذت ببرید: آیا

منتظر نشسته اید تا کسی در بزند و یک میلیارد تومان به شما هدیه کند؟ آن وقت خوشحال خواهید شد؟! هرگز همچنین اتفاقی نخواهد افتاد و اگر شما منتظرش باشید هرگز خوشحال نخواهید شد.

دفعه ی بعد که

خواستید میوه ، چای ، غذا بخورید از آن لذت ببرید! به نظر پیشنهاد احمقانه ای نه؟ ولی حقیقت داره ، ما موقع این لذت ها حواسمان به همه جا هست غیر از خود آن لذت ، به کاری که قرار است بعداً بکنیم ، به آنچه در گذشته انجام داده ایم و فقط مثل یک روبات به سیب گاز می زنیم تا تمام شود.

می توانید در همان چند دقیقه که سیب را می خورید فقط به آن سیب فکر کنید ، مطمئن باشید کار های بعدی تان را اینگونه بهتر انجام می دهید. اینکه چگونه با زحمت تهیه شده است. خاک ، باران ، درخت ، هوا ، آفتاب و اکنون در دست شماست تا از آن لذت ببرید.

۴- کار های جدید بکنید: کار جدیدی را امتحان کنید. کاری را بکنید که همیشه دوست داشته اید بکنید اما تا کنون نکرده اید. هر کاری که هست سریعاً وسایل لازم را آماده کنید و انجامش دهید.

قاب دیجیتال

حافظه ی فلشی به شکل همبرگر



لپ تاپ hp 6930p محصولی از hp با باتری ۲۴ ساعته

پروژکتوری به اندازه ی یک کنترل با تمام کارایی



خواننده ی دیسک های سخت اکسترنال با کابل USB به شکل تستر





بله آقای وزیر

امیرحسین حسینی پژوه

در اینجا چیزی به نام اینترنت نداریم. ما طبق آخرین رتبه بندی در قعر جدول سیر می کنیم. در اینجا عابر بانک ها تنها یک وسیله ی اضافی هستند برای تزئین پیاده رو ها. در اینجا گوشی لوکس داشتن یک افتخار است و درست استفاده کردن از آن یک رویا. وزیر ارتباطات اینجا رفیق جون جونی پدربزرگم است و بهنای باند را با کیلو می سنجد. ما به وعده وعید های وزیرمان عادت کرده ایم و خوشحالیم که روستا هایمان تلفن ثابت دارد... خوشحالیم از اینکه الان امکاناتی داریم قبل از انقلاب نداشتیم؛ یعنی درست سی سال پیش... و به این افتخار می کنیم.

نمی دانم تا کی باید لای روزنامه را با احتیاط باز کنم تا با افتضاح دیگری در زمینه ی IT مواجه نشوم... تا کی باید حسرت یک اینترنت درست و حسابی را بخورم و تا باید از کم توجهی دولت

محترم گله مند باشم تا برای از روی کار رفتن لحظه شماری کنم. آقای وزیر ارتباطات، تا کی می خواهید بی کفایتی خود را به مردم ثابت کنید و تا کی می خواهید تنها به ظاهر سازی بپردازید و پز

جوایز همراه اول و کاهش قیمتش را بدهید در حالی که هنوز در آنتن دهی آن مانده اید. سر همه را که نمی توانید گول بمالید. فکر می کنید نمی دانیم این پول هایی که خرج جوایز و پیشرفت روستا ها می کنید باید پای زیرساخت ارتباطات ریخته می شد. می خواهید

بگویید روستاهای ما هم دفتر خدمات ارتباطی و تلفن ثابت دارند؟ چه فایده که با از بین بردن زیرساخت این خوشحالی ها بی دوام خواهد ماند. راستی چند روزی است، سایت هایی که بی دلیل از

جانب شما فیلتر شده؛ دارد یکی یکی باز می شود. می گویند

سفارش شخص شخیص جناب آقای رئیس جمهور است، برای اینکه رای هایی جمع کند... درست می گویند آنها؟ شما نیز بدون هیچ مخالفتی این کار را انجام دادید... بعید نیست روزهای آخر انتخابات سایت های جنسی نیز برای رای بیشتر باز شوند. بگذارید کمی هم

جوان ها روی شما حساب باز کنند. ادامه در ستون روبرو

خودکار صادق

میلاد عزیزاده

اینجا تهران؛ ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه ی ظهر.

هوای آلوده شهر را با مشقت فراوان به درون می کشم. بر روی نردبانی آهنی می نشینم و پای راستم را به لبه ی دیوار کوتاه پشت بام تکیه می دهم. حس می کنم شهر زیر پای من است. نسیمی که می وزد مرا به لرزه می اندازد. هوا سرد نیست اما نسیم است دیگر، حرف های زیادی برای گفتن دارد! دختر هندسه را زیردستی ام کرده ام و می خواهم بر روی کاغذ باطله ای که روی پایم است بنویسم. می خواهم از تهران بنویسم؛ از هوای پاکش؛ از مردم صادق و فداکارش و از جوانان با ایمانش ولی... از همسایگان با وفایش از ساختمانهای محکم و استوارش، از مغازه های منصفش اما... می خواهم راست بنویسم ولی خودکارم میلی به نوشتن ندارد. حتما او هم مثل من آن همه پاکی، صداقت و ایمان و... را فراموش کرده است. پس چه کار می توانم بکنم؛ جز اینکه قلم را ببندازم و سعی کنم آنها را به یاد آورم.

بله آقای وزیر تا کی می خواهید هیچ عکس العملی از خود

نشان ندهید... بس است دیگر کمی هم برای این ملت زحمت بکشید.

نا مربوط: حکایت نشریه ی ما هم می تواند شبیه دلایلی باشد

که مسئولان برای ما تعریف کرده اند. ما یک دو هفته نامه را در اختیار شما قرار می دهیم. اما این نشریه تنها در صورتی که همه شرایط مناسب باشد؛ هر دو هفته به موقع به دست شما می رسد.

دلایل کافی نیست؟ درست مثل دلایلی که ISP ها برای کاربرانشان می آورند. شماره ی بعدی هم به دلایلی ۲۸ اسفند به دست شما می رسد. به این می گویند نشریه ای قانونمند در کشوری قانونمند.

اکسبر
دو هفته نامه ی علمی و فرهنگی پژوه
سردبیر: امیرحسین حسینی پژوه
نویسندگان
رئیس: امیرحسین حسینی پژوه،
مصطفی زاد فلاح، **سینما:** میلاد عزیزاده.
فنی
Ah.hosseini1372@gmail.com



برای صد سال تنهایی

امیرحسین حسینی پژوه

دنیای تخیل، مخصوصا تخیل درون کتاب ها گاهی بسیار بر انسان اثر عجیبی می گذارد. هیچ وقت یادم نمی رود لحظه ای را که به خاطر مرگ دامبلدور در مجموعه داستان های هری پاتر نزدیک بود اشک از چشمانم جاری شود و تا چند روز در خودم بومد و در فکر کسی که مرده بود. یا آخرین کتابی که خواندم، صد سال تنهایی. به اندازه ی هری پاتر در من کشش ایجاد نکرد. گرچه مطمئنا هدف نویسنده نیز ایجاد کشش نبوده، بلکه با نوشتن یک داستان دنباله دار از زندگی یک نسل تنها می خواسته پیامش را ذره ذره به خواننده تزریق کند.

تنها بودن یکی از آرزوهای من بود. تصور می کردم این انسانهای مزاحم مانع پیشرفت من می شوند؛ برای رسیدن به کمال. اما این را نمی دانستم که هیچ انسانی برای تنهایی آفریده نشده. من در حالی آرزوی تنهایی می کردم که خودم برای یک لحظه تنها نبودم.

همیشه کسانی دور برم پیدا می شدند که نگذارند من تنها باشم. ولی وقتی به این قسمت از کتاب رسیدم که آخرین نسل از خانواده ی بوئندیا همراه با فرزندش در دهکده ی ماکوندو بی هدف قدم می زد و گذشته ی دوری را که خانواده اش گذرانده اند مشاهده می کرد، آن هنگام بود که معنی تنهایی را فهمیدم. آن زمان که آنورلیانو دیگر هیچ کس را نداشت. حتی مردم شهرش را... و حتی شهرش را. او آخرین از نسل بوئندیا بود. نسلی که اولینشان به درخت بسته شد و آخرینشان خوراک مورچه ها.

تعدادی از رمان های دنباله داری را که تا به حال خواندم هیچ گاه به پایان نرساندم. به عقیده من به علت حفظ شکوه و جلال بهتر است که داستان را به پایان نرسانیم تا احتمالا پایان ضعیف به اصل داستان لطمه نزند. همیشه سعی می کردم در ادامه ی ماجرا بمانم و تصویری از ادامه ی داستان در ذهنم بسازم. اما داستان "صد سال تنهایی" بدون پایان معنی ندارد. این صفحه آخر است که با نگارش زیبایی داستان را حفظ می کند. هنوز که هنوزه شگفت زده ی پایان فوق العاده این رمان فوق العاده مانده ام. بی ربط هم نیست که این کتاب جایزه نوبل ادبیات را در سال ۱۹۸۲ دریافت کرده است.

و خودی نشان داده. او که بازیگری را به طور رسمی از سال ۱۹۸۱ و با فیلم **اکسکالیبور** شروع کرد، توانسته جایی برای خود در

عالم سینما باز کند از دیگر اثرهایی که به نقش آفرینی در آنها پرداخته می توان به **The Mission_Kinsey_Batman Begins_& Kingdom Of Heaven** اشاره کرد که در **Kingdom Of Heaven** تمام بازی های خود را تکمیل کرد و در معرض دید هوادارانش گذاشت. یکی از بین

همه دیالوگ های برایان در این فیلم که خودم شخصا آن را خیلی دوست دارم به شرح زیر است که با آن، حرفم را با شما تمام می کنم (وقتی تهیهکاران دخترش را در پاریس می زدند تلفن را از روی زمین بر میدارند و برایان به آنها اینگونه هشدار میدهد):

"I DON'T KNOW WHO YOU ARE BUT IF YOU DON'T LET MY DAUGHTER GO I WILL FIND YOU & I WILL KILL YOU"

Binazir.wordpress.com

برای تمامی خوانندگان نشریه اطلاع رسانی کنید.
پذیرش آگهی هر ساعتی متر مربع ۱۰۰ تومان.

"ویلاگی متفاوت با آنچه تاکنون دیده اید"



ر بوده شده

اینبار هم میخوایم فیلمی اکشن و پرهیجان را معرفی کنیم، شاید از بعضی جهات خیلی خیلی بهتر از فیلم قبلی (۸۸ دقیقه) باشد یعنی من این فیلم را بیشتر دوست دارم. بهتر است ابتدا کمی با فیلم آشنا شوید و بعد به نقد آن بپردازیم؛ این شما و این هم **Taken** فیلم اکشن منتخب سال ۲۰۰۸:

برایان (لیام نیسون) مردی دوست داشتنی است... او بسیار به دخترش عشق می ورزد... از همسرش جدا شده و تنها زندگی می کند... او جاسوس سابق CIA آمریکا بوده و اکنون به همراه دوستانش به عنوان محافظ شخصی کار



می کند... و اینک کیم (مگی گریس) دخترش که دیگر ۱۷ سال دارد از پدر درخواستی میکند یا واضحترا بگویم اجازه میخواد، او قصد دارد با آماندا (کتی کسیدی) دوست دیرینه اش به فرانسه سفر کند و از آثار دیدنی آنجا بازدید کند. آیا برایان با وجود خطرانی که ممکن است برای دخترک تنهای خود اتفاق بیفتد چنین اجازه ای به او میدهد؟ ابتدا نه ولی با اصرارهای مادر کیم و دیدن ناراحتی دخترش با شرط تماس های تلفنی مرتب و هر روزه می پذیرد. کیم و آماندا برای سفر آماده هستند و پس از خداحافظی با والدین عازم پاریس میشوند. در فرودگاه پاریس پسری که عضو باند بزرگ قاچاق دختران جوان هست به بهانه این که در آنجا تاکسی گران است با آنها شریک میشود تا هر کدام پول کمتری بپردازند، اما با مطلع شدن از آدرس ساختمانی که آنها در آنجا اقامت دارند دیگر اعضا را برای ربودن آنها می فرستد. در همین حال کیم با پدرش در اتاق روبه روی پذیرایی مشغول صحبت است که متوجه حضور آدمهایی در خانه میشود، او میبیند که

در یک نگاه

آماندا را گرفتند و آن را بیهوش کردند حال نوبت اوست؛ سریعا از پشت تلفن ماجرا را برای پدرش بازگو میکند، پدرش به او میگوید که ر بوده خواهی شد اما تلفن را بر زمین بگذارد و هرچه راجع به آنها میبینی فریاد بزن مثل قد رنگ مو رنگ چشم و... برایان با کمک دوستان خود و مشخصاتی که از آنها میداند به ماهیت این افراد پی میبرد **اما فقط ۹۶ ساعت دیگر باقیست تا هرگز دخترش را نبیند** زیرا که از آن به بعد دخترش را برای آزار و اذیت به کشورهای دیگر میفرستند. آیا قهرمان تنهای این داستان موفق به نجات دخترش میشود؟ باید فیلم را دید.

با خواندن متن بالا شاید جذب این فیلم شوید و یا اینکه هیچ انگیزه ای برای دیدن آن بدست نیارید اما اگر از من میشنوید حتما به تماشای این اثر جذاب بنشینید چون که صحنه های اکشن و درام فوق العاده فیلم شما را تا آخر قصه با خود میکشاند. کارگردانی این داستان مهیج بر عهده "پی بر مولر" بوده و اینبار هم نشان داده که همانند فیلمهای قبلی خود هنوز توانایی خلق کردن داستانهای اکشن را به خوبی بلد است. و اما یکی دیگر از نقاط قوت فیلم غیر قابل پیشبینی بودن بازی لیام نیسون هست که با وجود سن بالايش به بهترین وجه هنرنمایی کرده



چو وردپرس نباشد تن من مباد

◀ امیرحسین حسینی پژوه

چند وقت پیش تصمیم گرفته بودم به دلیل سانسورهای بیش از حد فیلتر چی ها وبلاگم را از وردپرس تغییر دهم. برای همین ابتدا به سراغ سرویس دهنده های ایرانی رفتم؛ پرشین بلاگ، بلاگفا، پارس بلاگ، بلاگ اسکای و... از جمله ی آنها بودند. اما با ناامیدی تمام، دست از پا دراز تر تصمیم گرفتم تا سری به آخرین امیدم بزنم؛ بلاگر. بر طرفدار ترین سرویس وبلاگ نویسی بود. پشتش به غول بزرگی به نام گوگل قرص است و اطمینان دارد که حالا حالا ها از دور رقابت خارج نمی شود. اما در عین نا باوری این سرویس دهنده هم مرا راضی نکرد... سیستم مدیریتش سردگم می کرد و من از سردرگمی متنفرم. این چنین بود که به جواهری پی بردم که مدتها در اختیار داشتم... وردپرس.

شما برای ایجاد یک وبلاگ به یک سرویس دهنده نیاز دارید. سایتی که با در اختیار گذاشتن برنامه ای تحت وب امکان مدیریت وبلاگ را به شما می دهد و فضایی را نیز برای وبلاگ و فایل های شما در نظر می گیرد. بلاگفا، بلاگر و... هر کدام یک سرویس دهنده ی وبلاگ هستند و تفاوتشان؛ امکاناتی است که در اختیار کاربران می گذارند. وردپرس یک سیستم مدیریتی مستقل بود. یعنی یک برنامه که می توانستید از اینترنت دریافت کرده و آن را بر روی هاست (فضایی در اینترنت که امکان بارگزاری فایل های مختلفی دارد) شخصی خود که آن را قبلا خریداری کرده بودید بگذارید. حالا با خرید یک دامنه ی اینترنتی (com, org, ir و...) یک وبلاگ کامل داشتید که با کمی تغییر می توانستید با آن کار یک سایت را نیز انجام دهید. پس از استقبال شدید از سیستم مدیریتی وردپرس این سیستم به صورت رایگان و عمومی برای کاربرانی که علاقه ای به خرید هاست نداشتند، تهیه شد. وردپرس به دلیل کد باز (open source) بودن پیشرفت های چشمگیری را به ارمغان آورده و می شود گفت در تمامی جهان تقریبا رقبای دیگر خود را از میان برداشته؛ به جز در ایران که کاربران همچنان از دیدن امکانات بلاگفا برای مدتها در تعجب می مانند (همین کد باز بودن آن باعث شده تا در مدت زمان کوتاهی نسخه ی فارسی این سیستم مدیریتی نیز انتشار پیدا کند. پس از نظر زبان اصلا نگران نباشید که می توانید به راحتی با زبان فارسی ای که خود کاربران عادی آن را تکامل داده اند استفاده کنید).

امکانات

وردپرس از نظر امکانات بسیار کامل است و این در مورد نسخه ی مستقل اش بیشتر صدق می کند. همین طور که امکان اضافه انواع پلاگین به آن وجود دارد. اما روی ما با وردپرس. کام است یعنی سایتی رایگان که به شما فضایی به اندازه ی ۳ گیگابایت می دهد.

ستون مدیریتی: همین عکس پایین است. از طریق این ستون می توانید به کل وردپرس و امکانات آن دسترسی داشته باشید. هر کدام از این قسمت ها پس از کلیک کردن به صورت منویی کشویی گشوده شده و کامل تر می شود.

پیشخوان: ویژگی فوق العاده که در آخرین نسخه (۲.۷) نیز کامل تر شد. در این صفحه می توانید تقریبا به تمام قسمت های وردپرس دسترسی داشته باشید و با سرعت هرچه تمام تر کار های خود را سر و سامان دهید. این امکان باعث سنگینی این صفحه هنگام بارگذاری شده است که با قابلیت کم و اضافه کردن این عناصر مشکل به راحتی حل می شود. ویجت هایی که در این صفحه قرار دارند عبارتند از: شمارنده ی بازدید کنندگان، نمایش نظرات، آمار کلی

بلاگ، انتشار سریع مطلب، دسترسی به پیش نویس ها. فعالیت شما در وردپرس (شامل نظراتی که به بلاگ های وردپرسی دادید، مطالبی که منتشر کرده اید، وبلاگ هایی را که لینک کرده اید و...) اطلاعات از وبلاگ های دیگر (شامل آخرین مطالب، پر بازدید ترین لینک ها، پر بازدید ترین وبلاگ ها و...) که امکان تغییر مکان، بستن و دوباره اضافه کردن آنها را دارید.

نوشته ها: مدیریت کامل بر روی نوشته ها، ارسال نوشته ی جدید (دارای امکان تگ گذاری، مشخص کردن تاریخ انتشار...)

+ به علت کمبود فضا می توانید متن کامل این نوشته را در وبلاگ binazir.wordpress.com مشاهده کنید.

اصطلاحات

open source: در شماره ی بعدی به طور کامل درباره ی این دنیای بزرگ صحبت می کنیم.

Widget: آیتم ها و عناصری جدا از یک موضوع که قابلیت حذف، حرکت و تغییر را دارند.

Tag: به معنای برچسب است که امکان دسته بندی مطالب را به شما به صورت گسترده به شما می دهد. اما به سیستم دسته بندی تفاوت دارد.





احساس سبکی کنید

مصطفی زانفلاح



Windows

ویندوز تنظیمات بسیار زیادی دارد که باید کدهایی را در آن دانست تا توانست به آن تنظیمات دسترسی یافت و امکانات و قابلیت ویندوز را بالا برد. یکی از این راهها قسمت

Run در منوی در منوی Start است که البته با کلید میانبر Win+R نیز ظاهر میگردد.

این قسمت قابلیت بسیار دارد اما یکی از مهمترین آنها کارهایی است که با استفاده از برخی کدها در آن انجام می شود برای مثال:

ممکن است سرعت Log on شدن ویندوز شما کم باشد، این ممکن است به معانی آن باشد که:

آنتی ویروس شما برای سیستم شما سنگین است.

ویندوز شما دارای مشکلات تنظیماتی باشد.

کهنه نصب ویندوز که مهمترین مشکل ناشی از آن کمبود فضای خالی بر روی درایو ویندوز است.

سنگین بودن ویندوز هنگام Startup.

اگر Startup List شما سنگین باشد باید آن را بدین طریق سبک سازی کنید:

پنجره ی Run را باز کنید.

عبارت msconfig را در آن تایپ کنید و OK کنید تا پنجره ی System Configuration Utility باز شود.

بر روی Tab ها گزینه ی Startup را برگزینید.

حال تیک آن برنامه هایی که بالا آمدن آنها همراه ویندوز ضروری نیست را بردارید.

توجه: برنامه ی Yahoo! Messenger را نمی توان از این منو حذف کرد زیرا به خاطر کاربردهای این برنامه در خارج از کشور، طوری طراحی شده است که با اولین بار باز کردن آن تنظیمات دوباره به حالت اول باز می گرداند.

از دیگر کدهایی که در

این قسمت استفاده می شود

میتوان به regedit اشاره

کرد که با ورود این کد

پنجره ی Registry

Editor گشوده می شود

که ما فقط به گفتن یک

ترفند در این قسمت بسنده

می کنیم.

آیا تا به حال خواسته اید با یک کامپیوتر اما با چند یاهو آی دی به اینترنت متصل شوید. این کار غیر ممکن نیست مثلا خود یاهو برنامه ای را در این زمینه به بازار فرستاد اما به دلایلی که توضیح آنها مستلزم وقت کافی است آن را به شرکت های آنتی ویروس معرفی کرد تا آن را Trojan تلقی کنند و استفاده از آن ناممکن شود. اما ما نیازی به این دردسر ها نداریم و کافی است در رجیستری بدین صورت عمل کنیم.

HKEY_CURRENT_USER → Software →

yahoo → pager → test

حال در سمت راست کلیک راست کنید و از New گزینه ی

DWord Value را انتخاب کنید و نام آن را Plural قرار دهید.

سپس بر روی آن کلیک کنید: در قسمت Value Data عدد

یک و در قسمت Base گزینه ی Hexadecimal را برگزینید.

OK کرده و از رجیستری خارج شوید.

برای مشاهده ی تغییرات باید ویندوز را Restart کنید ولی می

توانید بر روی نوار Start menu کلیک راست کنید و گزینه ی

Task Manager را انتخاب کنید در تب Processes گزینه ی

Explorer.exe را انتخاب و End Process را بزنید تا تغییرات

اعمالی را مشاهده کنید. برای مشاهده می توانید حتی ۱۰ بار یاهو

مسنجر خود را در پنجره های مجزا به وسیله ی کلیک کردن بر روی آیکون آن مشاهده کنید.

تذکر: این ترفند کاملا تست شده است و در صورت اشتباه در آن ممکن است ویندوز شما دیگر اجرا نشود. پس مسئولیت این کار به عهده ی خودتان است نه مسئولین نشریه.



رویای HTC

عصر نوشتن

سرعت پیشرفت در مجموعه HTC تا اندازه ای ست که اینک اکثریت کاربران جدید دنیای PDAها این کالا را با نام HTC می شناسند و نقش این شرکت پیش رو در ایجاد مقبولیت PDA در میان عموم مردم امر روشنی ست که نمی توان آن را انکار کرد. این بار و در این مجال به بررسی هیولائی جدید این شرکت یعنی Touch HD می پردازیم با ما همراه شوید.

مدل و نام : HTC Touch HD

ابعاد : ۱۲×۶۲۸×۱۱۵ میلی متر

وزن : ۱۴۶ گرم

صفحه نمایش : ۳.۸ اینچ ۴۸۰×۸۰۰ پیکسل

قابلیت نمایش : ۶۵ هزار رنگ

دفترچه تلفن : نامحدود بسته به حافظه داخلی

کارت حافظه+حافظه داخلی : Micro SD+288MB

RAM+512MB

ارتباطات : GSM چهار

باند+GPRS+EDGE+3G+Bluetooth

سیستم عامل : Microsoft Windows Mobile 6.1 Professional

پردازنده : Qualcomm MSM7201A با فرکانس

۵۲۸مگاهرتز

وضوح دوربین : ۵ مگاپیکسل با قابلیت اتوفوکوس

حداکثر وضوح فیلمبرداری : ۳۵۲×۲۸۸ با ۳۰ فریم در

ثانیه

ظرفیت باتری : ۱۳۵۰mAh

شروع موفقیت های پی در پی HTC پس از آنکه با محصولات میانه نسل اول خود به بررسی بازار PDAها پرداخت از HTC آغاز شد. جاییکه با بهبود رابط کاربری تمام لمسی دستگاه بوسیله پوسته Touch FLO برتری مشهود این محصول بر رقبای همچنان اندک این کالا تثبیت گردید. راهکار HTC در این زمینه البته کاملا هوشمندانه بود و برخلاف دیگر سازندگانی که افزایش حافظه، سرعت پردازنده، کیفیت دوربین و مواردی از این دست را اصلی ترین نیاز های یک PDA تلقی می نمودند، HTC با تغییر پوسته تکراری و خسته کننده ویندوز جذابیت های جدیدی برای این کالا بوجود آورده و بسیاری از کاربرانی که تا پیش از این حتی نام PDAها را نیز نشنیده بودند با این کالا آشنا نمود. البته با ادامه روند رو به رشد این برند، نسل جدید محصولات این شرکت از لحاظ امکاناتی نیز به راحتی و در یک چشم به هم زدن دیگر رقبای این بازار را کنار زده و برای اولین بار در تاریخ PDAها این گروه از محصولات حرفه ای را به رده All in Oneها وارد نمود رده ای که پیش از این در انحصار اسمارت فون ها قرار داشت. یکی از قدرتمند ترین محصولات تاریخ HTC محصول تمام لمسی این شرکت با نام Touch HD است که با مشخصات فوق العاده و ظاهری اسپرت توجه بسیاری را به خود جلب کرده است.